

# بررسی نقش آموزش های کاردانش در ایجاد نگرش کارآفرینانه

## درهنگویان

\*صادق ملکی آوارسین، \*حورا سودی، \*\*\*نیر سیدنظری

\*دانشیارگروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران

\*\*مدرس دانشگاه فرهنگیان و دانشجوی دکترای رشته مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز(نویسنده مسئول)،

\*\*\*دانشجوی دکترای رشته مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

Hurasoodi@yahoo.com

### چکیده:

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش آموزش های کاردانش در ایجاد نگرش کارآفرینانه درهنگویان این رشته ها از دیدگاه هنرآموزان شهرستان خوی در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ است. روش پژوهش توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه هنرآموزان این شهرستان به تعداد ۱۰۰ نفر است. به دلیل جلوگیری از افت آزمودنیها از روش نمونه گیری سرشماری (نمونه برابر جامعه) استفاده شده است. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه محقق ساخته بر اساس مؤلفه های نگرش کارآفرینانه از دیدگاه رابینسون استفاده و داده ها از طریق آزمون T تک نمونه ای و آزمون فریدمن با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شده است. نتایج حاصل از تحلیل داده ها بیانگر نقش مثبت و معنی دار آموزش های کاردانش بر روی تمامی مؤلفه های نگرش کارآفرینانه هنرجویان است. مطابق با نتایج آزمون فریدمن ترتیب مؤلفه ها بدین صورت است: ۱- کنترل شخصی ادراک شده؛ ۲- عزت نفس؛ ۳- خلاقیت و نوآوری؛ ۳- تشخیص و بهره برداری از فرصت؛ و ۵- میل به موفقیت.

**واژگان کلیدی:** کار آفرینی، نگرش کارآفرینانه، آموزش های کاردانش

### مقدمه

مشترک این دسته الگوها، توجه به عوامل محیطی اثرگذار بر کارآفرین و جریان کارآفرینی است. کارآفرینی به این دلیل که جامعه را به سمت تغییرات تکنیکی و مبتکرانه سوق می دهد و باعث رشد اقتصادی و تبدیل دانش جدید به خدمات و محصولات جدید می شود، حایز اهمیت است (شان و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳).

کارآفرینی نیروی عمده ای برای پیشبرد توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به شمار می رود و مفهومی است که همواره کنار بشر بوده و به عنوان یک پدیده نوین نقش مؤثر در توسعه و پیشرفت اقتصادی کشورها داشته است. از این رو تضمین حیات و بقاء کشورها نیازمند نوآوری، ابداع و خلق محصولات و خدمات جدید می باشد و یکی از ویژگیهای

<sup>1</sup>. Shan et al.

رسیدن به این منظور باید تغییراتی در فرآیندهای آموزشی، پژوهشی، ساختار، فرهنگ و شیوه و محتوای کتب درسی دوره متوسطه ایجاد شود.

یکی از چالش های پیش روی جوامع مختلف، دانش آموختگانی هستند که توانایی های فردی و مهارت های لازم را برای راه اندازی کسب و کار مناسب ندارند. این امر آماده سازی دانش آموختگان را از طریق توسعه فرهنگ کارآفرینی در آنان ضروری می سازد. ایجاد نگرش کارآفرینانه در افراد شرط لازم برای بروز رفتار کارآفرینانه از سوی آنان است (مرادی، ۱۳۸۶).

شواهد بسیاری وجود دارد که اثبات می کند آموزش کارآفرینی در افزایش نگرش کارآفرینانه افراد و در نتیجه افزایش احتمال وقوع کارآفرینی مؤثر است (میترا و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴؛ رابینسون و همکاران<sup>۳</sup>، نقل قول از جعفری مقدم، فخارزاده، ۱۳۹۰). در واقع فرآیند کارآفرینی به دست کسانی تحقق می یابد که گرایش به کامیابی، سخت کوشی، پافشاری، ریسک پذیری و توانایی دورنماسازی از ویژگی های روحی و روانی آنها است (امرسون و همکاران<sup>۴</sup>، ۱۹۹۲).

نظامهای آموزشی کشورهای مختلف تلاش راهبردی هدفمندی را برای تلفیق کارآفرینی در برنامه آموزشی خود همراه با فراهم آوری ابزارها و سازوکارهای لازم اعمال کرده است تا از این راه قابلیت های و شایستگی های مورد انتظار جامعه و بازار کار دانش آموختگان را افزایش دهند و بتوانند کیفیت فرآیندهای آموزشی را نیز بهبود بخشند (خسروی پور و همکاران، ۱۳۸۶). آنسلم<sup>۵</sup> (۱۹۹۳) معتقد است کارآفرینی می

مفهوم کارآفرینی تاکنون با دیدگاههای مختلفی همانند خصیصه شناسی یا رویکرد ویژگیها، رویکرد رفتاری، اقتصادی، جامعه شناختی و جمعیت شناختی، نهادی و سازمانی و غیره به پدیده کارآفرینی پرداخته شده و در نتیجه الگوهای نظری محتوایی و فرآیندی مختلفی برای کارآفرینی ترسیم شده است. تئوری های جامعه شناسی کارآفرینی به بررسی این موضوع می پردازند که چگونه محیط بر کارآفرینی تاثیر گذار است (هورلی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸).

به باور ذبیحی و مقدسی (۱۳۸۵) کارآفرینی مقوله بسیار مهمی است که بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به آن توجه جدی داشته اند. در این جوامع، کارآفرینی تبدیل به ابزار نیرومندی شده است که بهره گیری از آن می تواند باعث رفع مشکلاتی همچون بیکاری، کمبود نیروی انسانی خلاق و پویا، نزول چشم گیر بهره وری، کاهش کیفیت محصولات و خدمات و رکود اقتصادی شود. اکنون در عرصه جهانی، افراد خلاق، نوآور و مبتکر به عنوان کارآفرینان منشاء تحولات بزرگی در زمینه های صنعتی، تولیدی و خدماتی شده اند و از آنها نیز به عنوان قهرمانان ملی یاد می شود.

توسعه کارآفرینی هسته برنامه های توسعه کشورهاست و سرمایه گذاری در قابلیت های کارآفرینی منابع انسانی جایگاه ویژه ای دارد. بنابراین انتظار می رود که مراکز آموزشی در یک کشور یک جریان نوآوری و قابلیت های کارآفرینی مورد نیاز جامعه شامل دانش، مهارت و نگرش کارآفرینی را در دانش آموختگان ایجاد کنند و دانش آموختگان به عنوان عاملان تغییر اجتماعی، این قابلیت ها را در جامعه ترویج دهند. برای

2. Mitra et al.

3. Robinson et al.

4. Emerson et al.

5. Anselm

1. Hurley

آفرینان در علوم و مهندسی را در شرایط یادگیری، الهام بخشی و کاربرد منابع افزایش داده است. این نشان می دهد که برنامه های آموزشی می توانند نقش مهمی در تحریک پتانسیل کارآفرینی کارآفرینان بازی کنند.

ادغام آموزش کارآفرینی در برنامه درسی دانش آموزان کمک خواهد کرد که به هنگام دانش آموختگی مهارت توانا ساختن آنها به ((کارآفرین)) به جای ((جویندگان کار)) مجهز شوند. کارآفرینان توسط سائق های استثنایی شان مانند ریسک پذیری، تصمیم گیری، نوآوری و البته صرف مقدار قابل توجهی از انرژی مشخص شده اند (نواوبا<sup>۴</sup>، ۲۰۱۱).

همچنین با توجه به این مطلب که کتابهای درسی دوره دبیرستان، ایفاگر نقش ها و فعالیت های گوناگون برای تحقق اهداف و مهارت های زندگی است تا دانش آموز را برای زیستن متعالی آماده کند، از همین رو می تواند در جهت تقویت نگرش کارآفرینانه دانش آموزان نیز نقشی مؤثر ایفا کند.

تغییر و تحولات سریع علم و فناوری در سالهای اخیر، کشورهای جهان به خصوص کشورهای کمتر توسعه یافته را با چالشهای جدیدی روبرو ساخته است که گذر از آنها نیازمند بکارگرفتن رویکردها و روشهای خلاقانه است. با توجه به این مطلب و اینکه کارآفرینی جامعه را به سمت تغییرات تکنیکی و مبتکرانه سوق داده و باعث رشد اقتصادی می شود و همچنین منجر به تبدیل دانش جدید به خدمات و محصولات جدید می شود، این پژوهش درصدد آن است که با مروری بر تحقیقات انجام شده در مورد ایجاد نگرش کارآفرینانه، نقش آموزش های کاردانش را در ایجاد نگرش کارآفرینانه در هنرجویان این رشته ها از دیدگاه هنر آموزان بررسی نماید.

تواند یادگرفته شود، طبق نظر او افراد ممکن است با تمایل طبیعی به کارآفرینی متولد شوند اما سطح فعالیت کار آفرینی بالاتر خواهد رفت اگر در سطح ورودی، مهارت های کارآفرینانه آموخته شوند. توجه به این نکته ضروری است که صرف گذراندن دوره های آموزش کارآفرینی، فرد کارآفرین نخواهد شد، بلکه باید نگرش مثبتی به کسب و کار نیز داشته باشد. نگرش آمادگی برای واکنش ویژه نسبت به یک فرد، شیء یا وضعیت است و نگرش به کسب و کار آمادگی روحی و روانی برای راه اندازی کسب و کار است (عسگری پور و همکاران، ۱۳۹۲).

از دیگر سو در تحولات دنیای کنونی، وزارت آموزش و پرورش به عنوان رکن اساسی تربیت سرمایه های انسانی، به تقویت روحیه کارآفرینی توجه ویژه داشته و راهکارهایی جهت توسعه و نهادینه سازی آن ارائه داده است. یکی از مصادیق اجرایی کردن این راهکارها، رشد و توسعه آموزش های فنی و حرفه ای و کاردانش یا به عبارت دیگر آموزش های هنرستانی است که کارآفرینی خصیصه بارز این گونه آموزش ها به شمار می رود (سرخیز، ۱۳۹۲).

برنامه های آموزشی، تاثیر مهمی بر نگرش های کارآفرینی کارآفرینان دارد. بعد از مشارکت در چنین برنامه هایی کارآفرینان علایقشان را به سمت سطوح بالاتر کارآفرینی معطوف می کنند (شرودر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶). نتایج مشابهی از کشورهای امریکا، انگلستان و فرانسه گزارش شده است (ژائو و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵؛ سیوتاریس و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶) که طبق یافته های آنها، برنامه های آموزشی، اهداف کارآفرینی و نگرش های کار

1. Schroder  
2. Zhao et al.  
3. Souitaris et al.

4. Nwaoba

## مبانی نظری پژوهش

## تعریف کارآفرینی و کارآفرین

درباره تعریف کارآفرینی و شخص کارآفرین، تعاریف گوناگونی از سوی صاحب نظران ارائه شده است که با توجه به وسعت سیطره کارآفرینی در رشته ها و علوم مختلف، تنوع تعاریف نیز امری غیر قابل کنترل و ناگزیر است در نتیجه ارائه تعریف کامل و جامعی که بتوان با ارائه آن، اجماع دیدگاه های صاحب نظران را جلب کرد، سخت و گاه غیر ممکن می نماید. در این نوشتار سعی شده است بیشتر از تعاریفی استفاده شود که این مفهومی نو و چالشی دارند؛ البته این بدان معنا نیست که این تعاریف برتری به سایر تعاریف داشته یا دارند.

واژه کارآفرینی برگرفته از کلمه فرانسوی *Entrepreneur* به معنای متعهد شدن می باشد. بنابر تعریف واژه نامه دانشگاهی وبستر کارآفرین کسی است که متعهد می شود مخاطره های یک فعالیت اقتصادی را سازماندهی، اداره و تقبل کند. در تعریفی دیگر کارآفرین را فرد یا افراد صاحب کسب و کار می داند که از طریق ایجاد یا توسعه فعالیت های اقتصادی یا اجتماعی توسط شناسایی و ارزیابی و بهره برداری از محصولات، خدمات و بازارهای جدید، در جستجوی ایجاد ارزش هستند (بوسما و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸).

تامپسون<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) معتقد است رفتار کارآفرینانه نیازی فراگیر و ضروری برای تمامی سازمان ها (دولتی، خصوصی، داوطلبانه و غیره) با هر اندازه (بزرگ، متوسط و کوچک) است.

کارآفرینی فرآیند ایجاد، ارزیابی و بهره برداری از فرصت به منظور تولید کالاها و خدمات های آتی (شان و

همکاران، ۲۰۰۰) همراه با صرف وقت، تلاش بسیار و پذیرش خطر های مالی، روحی، اجتماعی برای به دست آوردن منابع مالی، رضایت شخصی و استقلال است (هیسریچ و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲). توافق گسترده ای وجود دارد که دانش نقش مرکزی در این فرآیند را ایفا می کند. کارآفرینان برای ترکیب های جدید و بر مبنای یک ارزیابی از اطلاعات در دسترس تصمیم می گیرند (شومپیتر<sup>۴</sup>، ۱۹۳۴) و دانش، منبعی است که توسط کار آفرین به کار گرفته می شود (کرزنر<sup>۵</sup>، ۱۹۷۳).

کارآفرینی فرآیندی پویا است که به وسیله آن افراد به طور دائم فرصت های اقتصادی را تعریف می کنند و بر مبنای آن به توسعه، تولید و فروش کالاها و خدمات ها می پردازند که لازمه این فرآیند ویژگیهایی مانند اعتماد به نفس، توانایی خطر کردن و تعهد شخصی است (نظارت جهانی کارآفرینی<sup>۶</sup>، ۱۹۹۹). کارآفرین فردی است دارای ایده و فکر جدید که از طریق فرآیند ایجاد کسب و کار (کسب و کار خانگی، کسب و کار مجازی، کسب و کار در مغازه یا شرکت یا سازمان) توأم با بسیج منابع و مخاطره مالی واجتماعی، محصول یا خدمت جدیدی به بازار عرضه می کند (احمد پور داریانی و همکاران، ۱۳۸۳).

## نگرش کارآفرینانه

ادبیات نگرش کارآفرینانه سعی دارد تا ویژگیها و مهارتهایی که در کارآفرینی فرد و تمایز وی از سایرین مؤثر است، شناسایی

3. Hisrich et al.

4. Schumpeter

5. Kirzner

6. GEM (The Global Entrepreneurship Monitor)

1. Bosma et al.

2. Thompson

ناندان<sup>۹</sup> (۱۳۸۶)، ترجمه شجاع صفت و واثقی) به نقل از آرنولد کوپر<sup>۱۰</sup> عوامل مربوط با ویژگیهای شخصیتی کارآفرینان را شامل؛ سن، تحصیلات، تجربه حرفه ای و زمینه خانوادگی معرفی می کند. از عمده ویژگیهای روانشناختی مؤثر بر کارآفرینی افراد می توان به مواردی مانند: برخورداری از مرکز کنترل درونی، موفقیت طلبی، مخاطره پذیری، استقلال طلبی، خلاقیت و نوآوری، تحمل ابهام و ... اشاره کرد.

مطالعات و بررسی های گسترده ای در مورد اینکه چرا و چگونه افراد کارآفرین می شوند صورت گرفته است. برخی متخصصان بر مشخصات شخصی افراد تاکید می کنند شامل مک کله لند<sup>۱۱</sup> (۱۹۶۱) ایده درمورد نیاز به موفقیت و روتر<sup>۱۲</sup> (۱۹۹۰) منبع کنترل، یا شومپیتر<sup>۱۳</sup> (۱۹۳۴) نوآوری. ویژگی های کارآفرینانه شخصی مانند ریسک پذیری، خلاقیت، تصمیم گیری سریع، نگرشهای کارآفرینانه شناخته شده ای هستند و بخش جدایی ناپذیر کتاب های درسی کارآفرینی و کسب و کار کوچک می باشند. محیط فرهنگی، اعتقادات، ارزش ها، موسسات، خانواده و نیز آموزش بر نگرش های کارآفرینانه اثر می گذارند (اس زرب<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۷).

### شاخه کاردانش در نظام آموزش متوسطه

در دنیای مبتنی بر اطلاعات و فناوری، به الگوی توسعه مبتنی بر منابع انسانی نیاز مبرم است. به دنبال انتشار اطلاعات جدید و فناوری اطلاعات، فرآیندهای کار اکنون بیش از گذشته بر دانش تاکید می ورزند و کار تخصصی یعنی آن دسته از مشاغل تخصصی بالا از آموزش و پرورش رسمی به ویژه

کند (کولمنت و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). نگرش کارآفرینانه را می توان به صورت جهت گیری های شخصی به سوی فعالیت های ارزش افزا در آینده و خوداستخدامی در کسب و کارهای کوچک تعریف نمود (بورگر و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵). در واقع نگرش کارآفرینانه، فرد را درگیر کارآفرینی می کند (شریف و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹) و تفکیک کننده کارآفرینان از غیرکارآفرینان است (لیندسی و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷). نگرش کارآفرینانه، تابعی از از هر سه نوع واکنش (شناختی، عاطفی و رفتاری) به یک موضوع کارآفرینانه مشخص است (رابینسون نقل قول از جعفری مقدم، فخارزاده، ۱۳۹۰)

اکثریت یافته های پژوهشی در مورد نگرش کارآفرینانه در دانش آموزان، نمایانگر نگرش مثبت نسبت به کارآفرینی در آنها است (شریف و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹؛ هریس و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸؛ کندو و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷؛ کندو و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۰۸). در همین حال، یافته های تحقیقات اخیر نشان می دهند که برنامه های آموزشی نگرش دانش آموزان به کارآفرینی را ارتقا نمی دهند، در عوض آنها جاه طلبی دانش آموزان به کارآفرین شدن را تقلیل می دهند (اوستریک و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۱۰؛ فوجس و همکاران<sup>۸</sup>، ۲۰۰۸). این مستلزم تحقیقات بیشتر در مورد نگرشهای دانش آموزان نسبت به کارآفرینی و آموزش کارآفرینی هدفمند و برنامه هایی به منظور افزایش کارآفرینی می باشد.

1. Colmant et al.

2. Burger et al.

3. Shariff et al.

4. Lindsay et al.

5. Harris et al.

6. Kundu et al.

7. Oosterbeek et al.

8. Fuchs et al.

9. Nandan

10. Arnold Cooper

11. McClelland

12. Rotter

13. Szerb

### پیشینه تحقیق

نوه ابراهیم، تندسته و سلیمانی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان "مطالعه شاخص های کار آفرینی در بین دانش آموزان سال آخر سه شاخه نظری، فنی حرفه ای و کاردانش در مدارس متوسطه شهرستان گرمسار" که با هدف بررسی و مقایسه مؤلفه های کارآفرینی در بین دانش آموزان سال آخر انجام دادند، شاخص های انگیزه پیشرفت، استقلال طلبی، گرایش به خلاقیت، ریسک پذیری، کنترل درونی، تحمل ابهام، تیم کاری و آینده نگری را بررسی کردند. نتایج نشان داد که بین قابلیت های کارآفرینی دانش آموزان شاخه های نظری، فنی و حرفه ای و کاردانش در سطح (۰,۰۱) تفاوت معنی داری وجود دارد و شاخص های کارآفرینی در بین دانش آموزان شاخه کاردانش از شاخه نظری بالاتر است.

صالحی و همکاران (۱۳۸۵) در نگاه تحلیلی بر عملکرد هنرستانهای کار و دانش (موردی از ارزشیابی کیفیت بروندادهای هنرستانهای کار و دانش منطقه ۲ شهر تهران)، دریافتند در زمینه پرورش ویژگی های کارآفرینانه میزان موفقیت هنرستانهای کار و دانش در تقویت حس کنجکاوی، نوآوری و خلاقیت، توانایی تصمیم گیری در حل مسائل و پایداری در مقابل مشکلات، روحیه اعتماد به نفس در دانش آموختگان در سطح نامطلوب و در روحیه مسئولیت پذیری و تعاون، پرکاری و تلاش در دانش آموختگان نسبتاً مطلوب ارزشیابی شده است و در عامل کارآفرینی همگی در سطح نامطلوب است.

عزیزی (۱۳۸۲) در بررسی زمینه های بروز و پرورش کارآفرینی در دانشجویان سال آخر کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه

مهارت های نمادین و حرفه ای و به کارگیری فناوری اطلاعات، عامل اصلی برای هدایت آینده کاری نیروی انسانی محسوب می شود (پیوریا<sup>۱</sup>)، نقل قول از ربیعی و پیرمادیان، (۱۳۹۱)

در پی تحولات گسترده در نظام آموزش متوسطه، به عنوان الگویی جدید از ارتباط میان نظام آموزش متوسطه فنی و حرفه ای و نیازهای بازار کار، از سال تحصیلی ۷۲-۱۳۷۱ شاخه کاردانش در کشور به اجرا درآمد. شاخه کاردانش به عنوان زیر مجموعه ای از نظام آموزش متوسطه، به مجموعه برنامه هایی اطلاق می شود که در جهت ارتقای دانش کاربردی و ایجاد مهارت های لازم در دانش آموزان و نیز شکوفایی استعداد های نهفته آنان، طرح ریزی و اجرا شده اند (حمزه لویی کهریزی، ۱۳۷۵). هدف شاخه کاردانش، تقویت نیروی انسانی موردنیاز بخش های صنعت، کشاورزی و خدمات براساس نیازهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور است. دبیران شاغل در هنرستانها که هنرآموز نامیده می شوند علاوه بر تدریس هفتگی طبق برنامه بر اساس ضوابط آموزش و پرورش به دانش آموزان مشغول به تحصیل در هنرستانها که هنر جو نامیده می شوند باید برآن باشند که هنرجویان را نسبت به رشته تحصیلی و آینده شغلی توجیه نمایند و با تقویت و ارتقای فرهنگ کارآفرینی در بین هنرجویان از طریق آموزشهای کارآفرینی، آنها را برای ورود به بازار کار آماده نمایند.

1 . Pyoria

شهید بهشتی نتیجه گرفته است که بین متغیرهای اعتقاد به کنترل درونی، انگیزه پیشرفت، ریسک پذیری، استقلال طلبی و خلاقیت دانشجویان با کارآفرینی آنان رابطه معناداری وجود دارد. پژوهشهای برومند نسب (۱۳۸۱) نیز نشان داد که بین انگیزه پیشرفت و خلاقیت با کارآفرینی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

خدمتی توسل (۱۳۷۹) پژوهشی با عنوان "زمینه بروز و پرورش کارآفرینی در بین دانش آموزان دبیرستان های پسرانه شهرستان کرج را از نظر مدیران، دبیران و دانش آموزان" را انجام داد. نتیجه این تحقیق نشان داد که زمینه های انگیزه پیشرفت، استقلال طلبی، ریسک پذیری و مرکز کنترل درونی دانش آموزان بالاتر از سطح میانگین بوده است.

لوپه پیه<sup>۱</sup> و باقری (۲۰۱۱) در تحقیق خود دریافتند که دانش آموزان در دبیرستان های فنی حرفه ای دارای احساس خود ارزشی بالایی هستند، چون احساس می کنند که اگر کارآفرین باشند مورد استقبال جامعه قرار گرفته و به آن ارزش قائل می شوند. علاوه براین، تحقیق نشان داد که دانش آموزان دارای مهارت کارآفرینی دارای کنترل درونی بیشتری در رفتار خود می باشند.

آبی سانیا و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که نگرش مثبت به کارآفرینی پیش از هرچیز از طریق تدوین محتوای برنامه های درسی و روش تدریس اثربخش محقق می شود.

شانن و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) در تحقیقی نگرش کارآفرینانه دانش آموزان در برزیل و چین را اندازه گیری و مقایسه کرده اند. نتایج این تحقیق نشان می دهد که فرهنگ و انتظارات کارآفرینانه بر نگرش کارآفرینی تاثیر گذار است و دانش آموزان چینی در نوآوری درکسب و کار و کنترل بر کسب و کار قویتر بوده ولی دانش آموزان برزیلی در اعتماد به نفس امتیاز بیشتری آوردند و در مورد نیاز به موفقیت هم تفاوت چشمگیری مشاهده نشد.

تام<sup>۴</sup> (۲۰۰۹) اثر آموزش کارآفرینی بر نگرش های کارآفرینانه دانشجویان را بررسی کرده و نگرش کارآفرینانه را بعنوان متغیر عملیاتی در نظر گرفته است. نتایج حاکی از آن است که آموزش کارآفرینی بر افزایش نگرش کارآفرینانه مؤثر است و تغییر قابل توجهی در نگرش کارآفرینانه دانشجویان، قبل و بعد از دوره آموزش کارآفرینی مشاهده شد.

شریف و همکاران (۲۰۰۹)، به تحقیق در مورد میزان نگرش کارآفرینانه دانشجویان در مالزی پرداخته اند و با بررسی ۵۷ دانش آموخته که دروس کارآفرینی را گذرانده اند و ۵۷ دانش آموخته که واحدهای کارآفرینی را نگذرانده اند بدین نتیجه دست یافتند که تفاوت معناداری در میزان نگرش کارآفرینانه دانشجویان دسته اول با دسته دوم وجود دارد.

فایول و گایلی<sup>۵</sup> (۲۰۰۸) در پژوهش خود یک چارچوب مفهومی را میان کارآفرینی و نظام آموزش و پرورش ترسیم کرده اند. بر اساس این پژوهش، دوره آموزش کارآفرینی باید از طریق طراحی دقیق محتوای دروس و شناخت جامعه هدف، به خصوص قبل از قرار گرفتن در معرض آموزش های کارآفرینی

3. Shanan et al.

4. Tam

5. Fayolle & Gaily

1. Lope Pihie

2. Obisanya et al.

برنامه ریزی شده و در این مدل به اهداف آموزش، سطوح اجتماعی-اقتصادی و به کارگیری روش ها و تکنیک‌های آموزش، متناسب با دانش آموزان توجه گردد. نیباک و هنسن<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) در بررسی چگونگی تاثیر نگرش کارآفرینانه بر عملکرد و نوآوری در کسب و کارهای توریسمی در نروژ دریافتند که نگرش کارآفرینانه قوی تر، احتمال ایجاد تغییر در سازماندهی کسب و کار و رشد درآمد را افزایش می دهد.

هوارد<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) در پژوهشی تأثیر توسعه قابلیت‌های کارآفرینی (استقلال طلبی، ریسک پذیری، انگیزه پیشرفت، کنترل درونی، و اعتماد به نفس و جسارت خلاقیت) بر کارآفرینی، ۴۵۰ نفر از دانش آموزان را مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که رابطه مستقیمی بین این قابلیت‌ها و توانایی کارآفرینی افراد وجود دارد. موحد<sup>۳</sup> (۲۰۰۳) در مطالعه ای به بررسی سطح دانش مهارت‌ها و دیدگاه‌ها و کارآفرینی در میان دانش آموزان دبیرستان کلانگ والی پرداخته و رابطه بین دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های کسب و کار و کارآفرینی در آنها را مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های تحقیق نشان می دهند که سطح دانش، نگرش و مهارت‌های دانش آموزان درباره کسب و کار و کارآفرینی متوسط است. همچنین یافته‌های تحقیق نشان می دهند که بین سطح دانش، نگرش و مهارت‌های دانش آموزان درباره کسب و کار و کارآفرینی در بین دانش آموزانی که تحت برنامه کارآفرینی قرار گرفته اند و دانش آموزانی که تحت برنامه کارآفرینی قرار نگرفته اند، تفاوت معناداری وجود ندارد.

کارایانیس<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۰۳) در تحقیقی به مطالعه تطبیقی آموزشها برای دانشجویان کارآفرینی در سه سطح زیر لیسانس، لیسانس و نیز دوره تحصیلات تکمیلی در دو کشور فرانسه و امریکا پرداخته و ضمن بیان نتایج و یافته‌های مختلف اشاره کرده اند که در امریکا، دیدگاهها و ادراکات افراد (پرورش ویژگیها) در مورد کارآفرینی و آموزشهای مربوط به آن و نیز عوامل نهادی و محیطی مؤثر بر تأسیس و استمرار حیات شرکتهای کارآفرینانه، در مقایسه با فرانسه حالت مثبت و مساعدتری دارد.

هشام و عثمان<sup>۵</sup> (۱۹۹۵) در طرح پژوهشی خود به بررسی نقش آموزش‌های رسمی و غیررسمی در عملکرد کارآفرینان در سنگاپور پرداخته اند. آنها در پایان این پژوهش نتیجه گرفته اند که آموزش‌های رسمی و غیر رسمی عامل مهمی محسوب می شوند که سهم قابل توجهی در عملکرد کارآفرینان دارند. رابینسون و سکستون<sup>۶</sup> (۱۹۹۴) مطالعه ای را بر روی بیش از ۲۰۰۰ کارآفرین برای بررسی روابط بین آموزش و موفقیت‌های شغلهای خود استخدام انجام دادند. در این مطالعه از سه مدل تجربی برای بدست آوردن تخمین استفاده شده بود. آنها دریافتند که آموزش رابطه نزدیکی با کارآفرینی، و کارآفرینان سطح بالاتری از آموزش را نسبت به افراد کارمند و حقوق بگیر دریافت کردند. مطالعه همچنین نشان داد که سطوح بالاتر آموزش، احتمال اینکه خود فرد، کارفرما شود و موفقیت‌های بیشتری را کسب کند افزایش می دهد.

4. Carayannis

5. Hisham & Osman

6. Robinson & Sexton

1. Nybakk & Hansen

2. Howard

3. Movahed



**جدول (۱). خلاصه پژوهش های انجام شده در رابطه با بررسی نگرش کارآفرینانه**

ردیف	پژوهشگر	سال	نتایج
۱	نوه ابراهیم، تندسته و سلیمانی	۱۳۸۷	در بررسی شاخص های انگیزه پیشرفت، استقلال طلبی، گرایش به خلاقیت، ریسک پذیری، کنترل درونی، تحمل ابهام، تیم کاری و آینده نگری در بین دانش آموزان نتیجه گرفته شد که شاخص های کارآفرینی در بین دانش آموزان شاخه کاردانش از شاخه نظری بالاتر است.
۲	صالحی و همکاران	۱۳۸۵	میزان موفقیت هنرستانهای کاردانش در تقویت حس کنجکاوی، نوآوری و خلاقیت، توانایی تصمیم گیری در حل مسائل و پایداری در مقابل مشکلات، روحیه اعتماد به نفس در دانش آموختگان در سطح نامطلوب و در روحیه مسئولیت پذیری و تعاون، پرکاری و تلاش در آنها نسبتاً مطلوب ارزشیابی شده است و در عامل کارآفرینی همگی در سطح نامطلوب است.
۳	عزیزی	۱۳۸۲	بین متغیرهای اعتقاد به کنترل درونی، انگیزه پیشرفت، ریسک پذیری، استقلال طلبی و خلاقیت دانشجویان با کارآفرینی رابطه معناداری وجود دارد.
۴	برومند نسب	۱۳۸۱	بین انگیزه پیشرفت و خلاقیت با کارآفرینی رابطه معناداری وجود دارد.
۵	خدمتی توسل	۱۳۷۹	زمینه های انگیزه پیشرفت، استقلال طلبی، ریسک پذیری و مرکز کنترل درونی دانش آموزان بالاتر از سطح میانگین بوده است.
۶	لوپه پیه و باقری	۲۰۱۱	دانش آموزان دبیرستان های فنی حرفه ای احساس خود ارزی بالایی داشته و دانش آموزان دارای مهارت کارآفرینی، دارای کنترل درونی بیشتری در رفتار خود می باشند.
۷	ابی سان و همکاران		نگرش مثبت به کارآفرینی پیش از هرچیز از طریق تدوین محتوای برنامه های درسی و روش تدریس اثربخش محقق می شود.
۸	شانون و همکاران	۲۰۰۹	فرهنگ و انتظارات کارآفرینانه بر نگرش کارآفرینی تاثیر گذار است و دانش آموزان چینی در نوآوری درکسب و کار و کنترل بر کسب و کار قویتر بوده ولی دانش آموزان برزیلی در اعتماد به نفس امتیاز بیشتری آوردند و در مورد نیاز به موفقیت هم تفاوت چشمگیری مشاهده نشد.
۹	تام	۲۰۰۹	آموزش کارآفرینی بر افزایش نگرش کارآفرینانه دانشجویان مؤثر بوده و تغییر قابل توجهی در نگرش کارآفرینانه دانشجویان، قبل و بعد از دوره آموزش کارآفرینی مشاهده شد.
۱۰	شریف و همکاران	۲۰۰۹	تفاوت معناداری در میزان نگرش کارآفرینانه دانشجویانی که دروس کارآفرینی را گذرانده اند با دانش آموختگانی که واحدهای کارآفرینی را نگذرانده اند وجود دارد.
۱۱	فایول و گایلی	۲۰۰۸	ترسیم چارچوب مفهومی میان کارآفرینی و نظام آموزش و پرورش، طراحی دقیق محتوای دروس و شناخت جامعه هدف، به خصوص قبل از قرار گرفتن در معرض آموزش های کارآفرینی برنامه ریزی شده در دوره آموزش کارآفرینی، و توجه به اهداف آموزش، سطوح اجتماعی- اقتصادی و به کارگیری روش ها و تکنیک های آموزش، متناسب با دانش آموزان در مدل ارائه شده
۱۲	نیبک و هسن	۲۰۰۸	نگرش کارآفرینانه قوی تر، احتمال ایجاد تغییر در سازماندهی کسب و کار و رشد درآمد را افزایش می دهد.
۱۳	هوارد	۲۰۰۴	رابطه مستقیمی بین توسعه قابلیت های کارآفرینی (استقلال طلبی، ریسک پذیری، انگیزه پیشرفت، کنترل درونی، و اعتماد به نفس و جسارت خلاقیت) و توانایی کارآفرینی افراد وجود دارد.
۱۴	موحد	۲۰۰۳	سطح دانش، نگرش و مهارت های دانش آموزان درباره کسب و کار و کارآفرینی متوسط است. و همچنین بین سطح دانش، نگرش و مهارت های دانش آموزان درباره کسب و کار و کارآفرینی در بین دانش آموزانی که تحت برنامه کارآفرینی قرار گرفته اند و دانش آموزانی که تحت برنامه کارآفرینی قرار نگرفته اند، تفاوت معناداری وجود ندارد.
۱۵	کاربانیس و همکاران	۲۰۰۳	در امریکا، دیدگاهها و ادراکات افراد (پرورش ویژگیها) در مورد کارآفرینی و آموزشهای مربوط به آن و نیز عوامل نهادی و محیطی مؤثر بر تأسیس و استمرار حیات شرکتهای کارآفرینانه، در مقایسه با فرانسه حالت مثبت و مساعدتری دارد.
۱۶	هشام و عثمان	۱۹۹۵	آموزش های رسمی و غیر رسمی عامل مهمی محسوب می شوند که سهم قابل توجهی در عملکرد کارآفرینان دارند.
۱۷	رابینسون و سکستون	۱۹۹۴	آموزش رابطه نزدیکی با کارآفرینی داشته، و کارآفرینان سطح بالاتری از آموزش را نسبت به افراد کارمند و حقوق بگیر دریافت کردند. سطوح بالاتر آموزش، احتمال اینکه خود فرد، کارفرما شود و موفقیت های بیشتری را کسب کند افزایش می دهد.

**روش پژوهش:**

روش این تحقیق توصیفی و از لحاظ نوع روش پیمایشی و از نظر هدف کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه هنرآموزان شهرستان خوی بر اساس اطلاعات سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ به تعداد ۱۰۰ نفر است. به دلیل جلوگیری از افت آزمودنیها کلیه افراد جامعه آماری به عنوان نمونه انتخاب شدند بنابراین روش نمونه گیری سرشماری (نمونه برابر جامعه) است. به دلیل اینکه تعدادی از هنرآموزان حاضر به همکاری نشدند و تعدادی از پرسشنامه ها ناقص تکمیل شده بودند، تعداد ۶۰ پرسشنامه مورد تحلیل قرار گرفت.

برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه محقق ساخته بر اساس مؤلفه های نگرش کارآفرینانه رابینسون (نقل قول از جعفری مقدم، فخارزاده ۱۳۹۰) (میل به موفقیت، کنترل شخصی ادراک شده، خلاقیت و نوآوری، عزت نفس، تشخیص و بهره برداری از فرصت) استفاده شده است. پرسشنامه های تکمیل شده با نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای سنجش میزان اعتبار (روایی) پرسشنامه، از قضاوت خبرگان استفاده شده است بدین گونه که پرسشنامه ها به همراه توضیح کلی از تحقیق در اختیار ۱۰ نفر از هنرآموزان اساتید قرار گرفت و از آنها درخواست شد با توجه به سوالات در نظر گرفته شده برای سنجش متغیرهای مورد نظر، روایی سوالات را مشخص کنند. به منظور تعیین پایایی ابزار سنجش (محاسبه ضریب قابلیت اعتماد ابزار اندازه گیری)، از شیوه

آلفای کرونباخ استفاده شده است. بدین صورت که ابتدا پرسشنامه اولیه بین ۲۰ نفر از اعضای نمونه توزیع شد و با استفاد از نرم افزار آماری SPSS آلفای کرونباخ آن محاسبه شد که میزان آن برای پرسشنامه تحقیق ۰/۸۸ به دست آمد که نشانگر پایایی بالای پرسشنامه است. برای ارزیابی تاثیر و نقش آموزش های کاردانش، آزمون T تک نمونه ای و برای الویت بندی تاثیر آموزش های کاردانش بر مؤلفه های نگرش کارآفرینانه، از آزمون فریدمن استفاده شده است.

**توصیف آماری داده های جمعیت شناختی**

در این پژوهش مطالعه عوامل فردی با شاخص های جنسیت، تحصیلات، سابقه کار سنجیده شده است. اطلاعات جمعیت شناختی نشان می دهد که ۷۱/۶۶ درصد (۴۳ نفر) پاسخ دهندگان مرد و ۲۸/۳۳ درصد (۱۷ نفر) زن بوده اند. ۶/۶۶ درصد (۴ نفر) پاسخ دهندگان مدرک فوق دیپلم، ۷۸/۳۳ درصد (۴۷ نفر) مدرک لیسانس و ۱۵ درصد (۹ نفر) مدرک فوق لیسانس دارند. همچنین ۱۱/۷ درصد (۷ نفر) سابقه کار کمتر از ۵ سال، ۱۵ درصد (۹ نفر) بین ۱۰ تا ۱۵ سال و ۷۳/۳ درصد (۴۴ نفر) بیشتر از ۱۰ سال سابقه کار در هنرستانهای کاردانش را دارند. خلاصه نتایج جمعیت شناختی هنرآموزان پاسخ دهنده در جدول (۲) آمده است.

جدول (۲). خلاصه نتایج ویژگیهای جمعیت شناختی پاسخ دهندگان

جنسیت	تحصیلات			سابقه کار				
	مرد	زن	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس	کمتر از ۵ سال	۵ تا ۱۰ سال	بیشتر از ۱۰ سال
تعداد	۴۳	۱۷	۴	۴۷	۹	۷	۹	۴۴
درصد	۷۱/۶۶	۲۸/۳۳	۶/۶۶	۷۸/۳۳	۱۵	۱۱/۷	۱۵	۷۳/۳
فراوانی تجمعی	۷۱/۶۶	۱۰۰	۶/۶۶	۸۴/۹۳	۱۰۰	۱۱/۷	۲۶/۷	۱۰۰

یافته های پژوهش

توزیع فراوانی و درصد پاسخ های معلمان (از ۱ = خیلی کم تا

۵ = خیلی زیاد) در بررسی نقش آموزش های کاردانش، در

ایجاد نگرش کارآفرینانه در هنرجویان رشته های کاردانش در

مؤلفه "میل به موفقیت" در جدول (۳) آمده است.

۱- آیا از دیدگاه هنر آموزان، آموزش های کاردانش در ایجاد

نگرش کارآفرینانه در هنرجویان با توجه به مؤلفه میل به

موفقیت مؤثر است؟

جدول (۳) مؤلفه میل به موفقیت

شماره	شاخص های مؤلفه میل به موفقیت	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار	آماره T	سطح معناداری
۱	تحلیل نقاط ضعف	تعداد	۰	۲	۳۶	۱۷	۵	۳/۴۳	۴/۶۳	۰/۶۳
		درصد	۰	۳/۳	۶۰/۰	۲۸/۳	۸/۳			
۲	استفاده از فرصت ها حتی به قیمت از دست دادن آسایش فرد	تعداد	۰	۱۱	۲۶	۱۸	۵	۳/۲۸	۲/۵۳	۰/۸۶
		درصد	۰	۱۸/۳	۴۳/۳	۳۰/۰	۸/۳			
۳	انجام هر تلاش ممکن برای موفقیت در کار	تعداد	۲	۴	۲۶	۲۸	۰	۳/۳۳	۳/۴۳	۰/۷۵
		درصد	۳/۳	۶/۷	۴۳/۳	۴۶/۷	۰			
۴	برنامه ریزی برای آینده در جهت کسب موفقیت	تعداد	۰	۴	۳۱	۲۵	۰	۳/۳۵	۴/۴۷	۰/۶۰
		درصد	۰	۶/۷	۵۱/۷	۴۱/۷	۰			
۵	تلاش مؤثر برای استفاده بهینه از منابع	تعداد	۰	۲	۲۴	۲۹	۵	۳/۶۱	۶/۹۱	۰/۶۹
		درصد	۰	۳/۳	۴۰/۰	۴۸/۳	۸/۳			
۶	انجام بهینه کارها	تعداد	۰	۵	۳۲	۲۰	۳	۳/۳۵	۳/۸۲	۰/۷۱
		درصد	۰	۸/۳	۵۳/۳	۳۳/۳	۵/۰			
۷	انجام بهترین و برترین کارها	تعداد	۰	۲	۱۶	۳۹	۳	۳/۷۱	۹/۰۵	۰/۶۱
		درصد	۰	۳/۳	۲۶/۷	۶۵/۰	۵/۰			
۸	استفاده مناسب و عاقلانه از زمان و عدم هدر دادن	تعداد	۰	۴	۱۶	۴۰	۰	۳/۶۰	۷/۵۴	۰/۶۱
		درصد	۰	۶/۷	۲۶/۷	۶۶/۷	۰			
	میل به موفقیت	تعداد	۰	۰	۴	۵۶	۰	۳/۴۳	۱۰/۶	۰/۳۳
		درصد	۰	۰	۶/۷	۹۳/۳	۰			

۲- آیا از دیدگاه هنر آموزان، آموزش های کاردانش در ایجاد نگرش کارآفرینانه در هنرجویان با توجه به مؤلفه کنترل شخصی مؤثر است؟

نتایج حاصل از تحلیل پاسخ های سوال دوم در جدول شماره (۴) آمده است. مطابق با یافته های جدول، تاثیر آموزش های کاردانش روی تمامی شاخص های مؤلفه کنترل شخصی ادراک شده در ایجاد نگرش کارآفرینانه، معنی دار بوده است. ( $P\text{-value} < 0/05$ ). مقدار میانگین همه مؤلفه ها بزرگتر از ۳ است. در نتیجه، می توان گفت بر اساس نظر هنرآموزان، تاثیر آموزش های کاردانش روی نگرش کارآفرینانه از لحاظ شاخص های کنترل شخصی ادراک شده، مثبت و معنی دار است.

با توجه به نتایج آزمون تی تست تک نمونه ای (جدول ۳)، به غیر از شاخص های تحلیل نقاط ضعف و برنامه ریزی برای آینده در جهت کسب موفقیت، میانگین همه شاخص های میل به موفقیت در سطح معناداری ۰/۰۱ از میانگین معیار (۳) بیشتر بوده و در نتیجه با ۹۹ درصد اطمینان می توان گفت آموزش های کاردانش در افزایش میل به موفقیت مؤثر بوده است. همچنین آموزش کاردانش در شاخص انجام بهترین و برترین کارها با میانگین ۳/۷۱ بیشترین مقدار و شاخص استفاده از فرصت ها حتی به قیمت از دست دادن آسایش فرد با میانگین ۳/۲۸ کمترین تاثیر داشته است.

یافته های این سوال با یافته های پژوهش های نوه ابراهیم و تندسته و سلیمانی (۱۳۸۷)، عزیزی (۱۳۸۲)، خدمتی توسل (۱۳۷۹)، برومند نسب (۱۳۸۱) و هوارد (۲۰۰۴) همسو است.

جدول (۴): شاخص های کنترل شخصی ادراک شده

شماره	شاخص های کنترل شخصی ادراک شده	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار	آماره T	سطح معناداری	
۹	خلق فرصت ها توسط خود فرد	تعداد	۰	۲	۱۵	۳۳	۱۰	۳/۸۵	۰/۷۳	۸/۹۹	۰/۰۱
		درصد	۰	۳/۳	۲۵/۰	۵۵/۰	۱۶/۷				
۱۰	میل به استقلال	تعداد	۲	۰	۱۳	۳۲	۱۳	۳/۹۰	۰/۸۵	۸/۱۲	۰/۰۱
		درصد	۳/۳	۰	۲۱/۷	۵۳/۳	۲۱/۷				
۱۱	توانایی انجام کار بدون تحت تاثیر قرار گرفتن از محیط	تعداد	۲	۷	۹	۳۰	۱۲	۳/۷۱	۱/۰۲	۵/۴۰	۰/۰۱
		درصد	۳/۳	۱۱/۷	۱۵/۰	۵۰/۰	۲۰/۰				
۱۲	مسئولیت پذیری	تعداد	۰	۵	۱۶	۳۱	۸	۳/۷۰	۰/۸۰	۶/۷۰	۰/۰۱
		درصد	۰	۸/۳	۲۶/۷	۵۱/۷	۱۳/۳				
۱۳	نسبت دادن موفقیت ها به خود فرد	تعداد	۰	۲	۲۷	۲۶	۵	۳/۵۶	۰/۶۹	۶/۲۹	۰/۰۱
		درصد	۰	۳/۳	۴۵/۰	۴۳/۳	۸/۳				
۱۴	ایفای نقش فعال در کارها	تعداد	۰	۰	۲۸	۲۴	۸	۳/۶۶	۰/۷۰	۷/۳۲	۰/۰۱
		درصد	۰	۰	۴۶/۷	۴۰/۰	۱۳/۳				
۱۵	توانایی کار با دیگران	تعداد	۰	۷	۱۸	۲۱	۱۴	۳/۷۰	۰/۹۶	۵/۶۳	۰/۰۱
		درصد	۰	۱۱/۷	۳۰/۰	۳۵/۰	۲۳/۳				

۰/۰۱	۵/۹۰	۰/۷۰	۳/۵۳	۵	۲۴	۲۹	۲	۰	تعداد	اعتقاد به قابل شناسایی بودن کار هر فرد در یک مجموعه	۱۶
				۸/۳	۴۰/۰	۴۸/۳	۳/۳	۰	درصد		
۰/۰۱	۱۱/۴۵	۰/۴۷	۳/۷۰	۱۴	۳۹	۷	۰	۰	تعداد	کنترل شخصی ادراک شده	
				۲۳/۳	۶۵/۰	۱۱/۷	۰	۰	درصد		

با توجه به نتایج آزمون تی تست تک نمونه ای (جدول ۴)،

۳- آیا از دیدگاه هنر آموزان، آموزش های کاردانش در ایجاد نگرش کار آفرینانه در هنرجویان با توجه به مؤلفه خلاقیت و نوآوری مؤثر است؟

نتایج حاصل از تحلیل داده های سوال سوم در جدول شماره (۵) آمده است. مطابق با یافته های جدول و بر اساس آزمون T، تاثیر آموزش های کاردانش روی تمامی شاخص های مؤلفه خلاقیت و نوآوری در ایجاد نگرش کارآفرینانه، معنی دار بوده است ( $P\text{-value} < 0/05$ ). مقدار میانگین همه مؤلفه ها بزرگتر از ۳ است، بنابراین می توان گفت مطابق با نظر هنرآموزان، تاثیر آموزش های کاردانش روی نگرش کارآفرینانه از لحاظ شاخص های خلاقیت و نوآوری، مثبت و معنی دار بوده است.

میانگین همه شاخص های کنترل شخصی ادراک شده در سطح معناداری ۰/۰۱ از میانگین معیار (۳) بیشتر بوده و در نتیجه با ۹۹ درصد اطمینان می توان گفت آموزش های کاردانش در افزایش مؤلفه های کنترل شخصی ادراک شده موثر بوده است. همچنین آموزش کاردانش در شاخص میل به استقلال با میانگین ۳/۹۰ بیشترین مقدار و شاخص اعتقاد به قابل شناسایی بودن کار هر فرد در یک مجموعه با میانگین ۳/۵۳ کمترین تاثیر را داشته است.

یافته های این سوال با یافته های پژوهش های نوه ابراهیم و تندسته و سلیمانی (۱۳۸۷)، عزیزی (۱۳۸۲)، خدمتی توسل (۱۳۷۹)، لویه پیه و باقری (۲۰۱۱)، هوارد (۲۰۰۴) همسو است.

جدول (۵): شاخص‌های مؤلفه خلاقیت و نوآوری

شماره	شاخص‌های مؤلفه خلاقیت و نوآوری	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار	آماره T	سطح معناداری
۱۷	میل به کار با افراد خلاق و نوآور	۲	۰	۱۸	۳۴	۶	۳/۷۰	۰/۷۸	۶/۸۸	۰/۰۱
		۳/۳	۰	۰/۳۰	۵۶/۷	۱۰/۰				
۱۸	انجام کارها از راه‌های غیر معمول	۰	۳	۲۲	۲۲	۱۳	۳/۷۵	۰/۸۵	۶/۷۸	۰/۰۱
		۰	۵/۰	۳۶/۷	۳۶/۷	۲۱/۷				
۱۹	استفاده از مفاهیم قدیم برای کاربرد جدید	۰	۳	۲۵	۳۰	۲	۳/۵۱	۰/۶۵	۶/۱۵	۰/۰۱
		۰	۵/۰	۴۱/۷	۵۰/۰	۳/۳				
۲۰	عدم تمایل به تحت کنترل قرار گرفتن و محدود شدن درچارچوب‌ها	۲	۰	۱۴	۴۱	۳	۳/۷۱	۰/۷۱	۷/۷۶	۰/۰۱
		۳/۳	۰	۲۳/۳	۶۸/۳	۵/۰				
۲۱	تلاش و تمایل برای ایجاد تغییر	۰	۱	۳۳	۲۲	۴	۳/۴۸	۰/۶۵	۵/۷۵	۰/۰۱
		۰	۱/۷	۵۵/۰	۳۶/۷	۶/۷				
۲۲	پردازش ایده‌های مختلف	۰	۴	۱۴	۳۱	۱۱	۳/۸۱	۰/۸۱	۷/۷۸	۰/۰۱
		۰	۶/۷	۲۳/۳	۵۱/۷	۱۸/۳				
۲۳	تمایل نداشتن به انجام کارهای یکنواخت	۰	۲	۲۱	۲۵	۱۲	۳/۷۸	۰/۸۰	۷/۵۴	۰/۰۱
		۰	۳/۳	۳۵/۰	۴۱/۷	۲۰/۰				
۲۴	ایجاد فرصت‌های جدید	۰	۲	۲۹	۱۸	۱۱	۳/۶۳	۰/۸۲	۵/۹۶	۰/۰۱
		۰	۳/۳	۴۸/۳	۳۰/۰	۱۸/۳				
۲۵	کنجکاوی برای حل مسائل	۲	۴	۱۹	۳۳	۲	۳/۴۸	۰/۸۱	۴/۶۰	۰/۰۱
		۳/۳	۶/۷	۳۱/۷	۵۵/۰	۳/۳				
۲۶	ارائه راه‌حل‌های جدید برای مسائل جدید	۲	۳	۲۰	۲۹	۶	۳/۵۶	۰/۸۷	۵/۰۴۱	۰/۰۱
		۳/۳	۵/۰	۳۳/۳	۴۸/۳	۱۰/۰				
	خلاقیت و نوآوری	۰	۰	۵	۴۳	۱۲	۳/۶۴	۰/۴۲	۱۱/۸۷	۰/۰۱
		۰	۰	۸/۳	۷۱/۷	۲۰/۰				

با توجه به نتایج آزمون تی تست تک نمونه ای (جدول ۵)، میانگین همه شاخص‌های خلاقیت و نوآوری در سطح معناداری ۰/۰۱ از میانگین معیار (۳) بیشتر بوده و در نتیجه با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت آموزش‌های کاردانش در افزایش مؤلفه‌های خلاقیت و نوآوری موثر بوده است. همچنین آموزش کاردانش در شاخص پردازش ایده‌های مختلف با میانگین ۳/۸۱ بیشترین مقدار و شاخص کنجکاوی

برای حل مسایل و شاخص تلاش و تمایل برای ایجاد تغییر با میانگین ۳/۴۸ کمترین تاثیر را داشته است. یافته‌های این سوال با یافته‌های پژوهش‌های نوه ابراهیم و تندسته و سلیمانی (۱۳۸۷)، عزیزی (۱۳۸۲)، برومند نسب (۱۳۸۱)، شانون و همکاران (۲۰۰۹)، نیبک و هنسن (۲۰۰۸) و هوارد (۲۰۰۴)، همسو بوده و با یافته‌های صالحی و همکاران (۱۳۸۶) هم سو نیست.

شاخص های مؤلفه عزت نفس در ایجاد نگرش کارآفرینانه، معنی دار بوده است ( $P\text{-value} < 0/05$ ). مقدار میانگین همه مؤلفه ها بزرگتر از ۳ است، در نتیجه می توان گفت بر اساس نظر هنر آموزان، تاثیر آموزش های کاردانش روی نگرش کارآفرینانه از لحاظ شاخص های عزت نفس، مثبت و معنی دار بوده است.

۴- آیا از دیدگاه هنر آموزان، آموزش های کاردانش در ایجاد نگرش کارآفرینانه در هنرجویان با توجه به مؤلفه عزت نفس مؤثر است؟  
نتایج حاصل از تحلیل داده های سوال چهارم در جدول شماره (۶) نشان داده شده است. مطابق با یافته های تحلیل و بر اساس آزمون T، تاثیر آموزش های کاردانش روی تمامی

جدول شماره (۶): شاخص های مؤلفه عزت نفس

شماره	شاخص های مؤلفه عزت نفس	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار	آماره T	سطح معناداری
۲۷	اعتماد به قضاوت های شخصی	۲	۲	۲۳	۲۶	۷	۳/۵۶	۰/۸۷	۵/۰۴۱	۰/۰۱
		درصد	۳/۳	۳/۳	۳۸/۳	۴۳/۳	۱۱/۷			
۲۸	اعتقاد داشتن به کار و توانایی های خود	۰	۲	۲۰	۳۶	۲	۳/۶۳	۰/۶۱	۸/۰۴۶	۰/۰۱
		درصد	۰	۳/۳	۳۳/۳	۶۰/۰	۳/۳			
۲۹	حل مشکلات شخصی	۰	۲	۱۷	۳۰	۱۱	۳/۸۳	۰/۷۶	۸/۴۶	۰/۰۱
		درصد	۰	۳/۳	۲۸/۳	۵۰/۰	۱۸/۳			
۳۰	احساس برتری نسبت به همکاران	۰	۳	۲۵	۲۷	۵	۳/۵۶	۰/۷۲	۶/۰۸۲	۰/۰۱
		درصد	۰	۵/۰	۴۱/۷	۴۵/۰	۸/۳			
۳۱	اعتماد به نتایج کارهای خود	۰	۲	۱۹	۳۳	۶	۳/۷۱	۰/۶۹	۸/۰۳۲	۰/۰۱
		درصد	۰	۳/۳	۳۱/۷	۵۵/۰	۱۰/۰			
	عزت نفس	۰	۰	۲	۴۹	۹	۳/۶۶	۰/۴۵	۱۱/۳۳	۰/۰۱
		درصد	۰	۰	۳/۳	۸۱/۷	۱۵/۰			

شاخص تلاش و تمایل برای ایجاد تغییر با میانگین ۳/۴۸ کمترین تاثیر داشته است. یافته های این سوال با یافته های لوپه پیه و باقری (۲۰۱۱)، شانون و همکاران (۲۰۰۹) و هوارد (۲۰۰۴) هم سو بوده و با یافته های صالحی و همکاران (۱۳۸۶) هم سو نیست.

با توجه به نتایج آزمون تی تست تک نمونه ای (جدول ۶)، میانگین همه شاخص های عزت نفس در سطح معناداری ۰/۰۱ از میانگین معیار (۳) بیشتر بوده و در نتیجه با ۹۹ درصد اطمینان می توان گفت آموزش های کاردانش در افزایش مؤلفه عزت نفس مؤثر بوده است. همچنین آموزش کاردانش در شاخص حل مشکلات شخصی با میانگین ۳/۸۱ بیشترین مقدار و شاخص کنجکاوی برای حل مسایل و

۵- آیا از دیدگاه هنر آموزان، آموزش های کاردانش در ایجاد نگرش کارآفرینانه در هنرجویان با توجه به مؤلفه تشخیص و بهره‌برداری از فرصت‌ها مؤثر است؟

نتایج حاصل از تحلیل داده‌های سوال پنجم در جدول شماره (۷) و بر اساس آزمون T، نشانگر تاثیر و معنی‌دار آموزش های کاردانش روی تمامی شاخص‌های مؤلفه تشخیص و بهره‌برداری از فرصت‌ها در ایجاد نگرش کارآفرینانه است.

مقدار میانگین همه مؤلفه‌ها بزرگتر از ۳ است، بنابراین مطابق با نظر هنر آموزان، تاثیر آموزش های کاردانش روی نگرش کارآفرینانه از لحاظ شاخص‌های تشخیص و بهره‌برداری از فرصت‌ها، مثبت و معنی‌دار است.

جدول شماره (۷): شاخص‌های مؤلفه تشخیص و بهره‌برداری از فرصت‌ها

شماره	شاخص‌های مؤلفه تشخیص و بهره‌برداری از فرصت‌ها	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار	آماره T	سطح معناداری
۳۲	هوشیاری	تعداد	۰	۴	۳۱	۱۵	۱۰	۳/۵۱	۴/۶۹	۰/۰۱
		درصد	۰	۶/۷	۵۱/۷	۲۵/۰	۱۶/۷			
۳۳	احساس یا درک نیازها	تعداد	۰	۰	۱۹	۳۹	۲	۳/۷۱	۱۰/۶۰	۰/۰۱
		درصد	۰	۰	۳۱/۷	۶۵/۰	۳/۳			
۳۴	تشخیص یا کشف یک تناسب بین نیازها	تعداد	۴	۰	۳۹	۱۷	۰	۳/۲۱	۳/۰۲۳	۰/۰۱
		درصد	۶/۷	۰	۶۵/۰	۲۸/۳	۰			
۳۵	تولید محصول	تعداد	۰	۱۰	۶	۳۶	۸	۳/۷۰	۵/۹۷	۰/۰۱
		درصد	۰	۱۶/۷	۱۰/۰	۶۰/۰	۱۳/۳			
	تشخص و بهره‌برداری از فرصت‌ها	تعداد	۰	۰	۱۲	۳۸	۱۰	۳/۵۳	۷/۸۲	۰/۰۱
		درصد	۰	۰	۲۰/۰	۶۳/۳	۱۶/۷			

مقدار و شاخص تشخیص یا کشف یک تناسب بین نیازها با میانگین همه شاخص‌های مؤلفه تشخیص و بهره‌برداری از فرصت‌ها در سطح معناداری ۰/۰۱ از میانگین معیار (۳) بیشتر بوده و در نتیجه با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت آموزش های کاردانش در افزایش مؤلفه تشخیص و بهره‌برداری از فرصت‌ها مؤثر بوده است. همچنین آموزش های کاردانش در شاخص احساس یا درک نیازها با میانگین ۳/۷۱ بیشترین

مقدار و شاخص تشخیص یا کشف یک تناسب بین نیازها با میانگین ۳/۲۱ کمترین تاثیر را داشته است. یافته‌های این سوال با یافته‌های پژوهش‌های نوه ابراهیم و تندسته و سلیمانی (۱۳۸۷) هم سو است.

#### مقایسه و الویت‌بندی مؤلفه‌های نگرش کارآفرینانه

متاثر از نقش آموزش های کاردانش از دیدگاه هنر

#### آموزان



جدول شماره (۸): اولویت بندی تاثیر آموزش های کاردانش در مؤلفه های نگرش کارآفرینانه از نظر هنرآموزان

رتبه اهمیت	انحراف معیار	میانگین	بیشترین	کمترین	مؤلفه های نگرش کارآفرینانه
۵	۰/۳۳	۳/۴۶	۴/۰۰	۲/۱۳	میل به موفقیت
۱	۰/۴۷	۳/۷۰	۴/۳۸	۲/۵۰	کنترل شخصی درک شده
۳	۰/۴۲	۳/۶۴	۴/۳۰	۲/۷۰	خلاقیت و نوآوری
۲	۰/۴۵	۳/۶۶	۴/۸۰	۲/۴۰	عزت نفس
۴	۰/۵۳	۳/۵۳	۴/۵۰	۲/۵۰	تشخیص و بهره برداری از فرصت ها
chi square = ۴۱/۱۶ df, =۴ p-value, = ۰/۰۰۰					آزمون فریدمن (Friedman)

در الویت بندی تاثیر آموزش های کاردانش در مؤلفه های نگرش کارآفرینانه، از آزمون فریدمن استفاده شده است. با بکارگیری این آزمون، تاثیر آموزش ها روی مؤلفه های کارآفرینی از نظر هنرآموزان مقایسه می شود. در جدول شماره (۸)، نتایج آزمون فریدمن به همراه اولویت تاثیر آموزش های کاردانش بر مؤلفه ها نشان داده شده است. مقدار  $0.05 <$  P-value =  $0.000$  نشان دهنده این است که از نظر هنرآموزان، آموزش های کاردانش به یک میزان روی ابعاد نگرش کارآفرینانه دانش آموزان مؤثر نبوده است. مطابق با نظر هنرآموزان، ترتیب مؤلفه های نگرش کارآفرینانه بدین صورت است: کنترل شخصی ادراک شده، عزت نفس، خلاقیت و نوآوری، تشخیص و بهره برداری از فرصت ها، و در نهایت میل به موفقیت.

#### نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش آموزش های کاردانش در ایجاد نگرش کارآفرینانه در هنرجویان این رشته ها از دیدگاه

هنرآموزان است. آموزش کارآفرینی یک واقعیت اجتناب پذیر برای پیشرفت مداوم است. چرا که در جامعه از طریق تقویت نگرش ها و ظرفیت های کارآفرینی، و استفاده از جوانان کارآفرین در ابتکارات کارآفرینی جدید، سود زیادی عاید جامعه می شود. براساس آمارهای مختلف نرخ بیکاری در بین جوانان روز به روز روند صعودی طی می کند بطوری که علاوه بر جوانان و والدین آنان نگرانی در مورد بیکاری و فقر در میان جوانان به یک گفتمان در بین مسئولین مختلف کشور شده است، در این راستا گسترش آموزش های فنی حرفه ای و کاردانش در سیاست های آموزشی کشور به یک ضرورت و اولویت اساسی تبدیل شده است. چنانچه دوره آموزشی کاردانش و ارائه آموزشهایی که به حوزه شناختی، روانی- حرکتی و عاطفی ارتباط داشته باشد با استفاده از روش های چندرسانه ای و بصورت تعاملی و عملی اجرا شده و هدف آن رشد انگیزه و نگرش کارآفرینی دانش آموزان باشد، در آن صورت این فعالیت ها قادر به ایجاد انگیزه برای کارآفرینی

دانش آموزان می گردد. نتایج پژوهش بیانگر نقش مثبت و معنی دار آموزش های کاردانش بر روی تمامی مؤلفه های نگرش کارآفرینانه می باشد که با نتایج پژوهش های نوه ابراهیم و تندسته و سلیمانی (۱۳۸۷)، عزیزی (۱۳۸۲)، خدمتی توسل (۱۳۷۹)، برومند نسب (۱۳۸۱)، هوارد (۲۰۰۴) لویه پیه و باقری (۲۰۱۱)، شانون و همکاران (۲۰۰۹)، نیبک و هنسن (۲۰۰۸) همسو است. انگیزه کارآفرینی یک انرژی است که افراد را تشویق می کند که فعالیت هایی را انجام دهند که منجر به دستیابی به نیازها، کمک به رضایت و کاهش بی ثباتی از طریق ایجاد یک شرکت یا یک کسب و کار گردد. انتظار می رود دانش آموزانی که تحت تاثیر آموزش های کارآفرینی قرار می گیرند انگیزه زیادی نشان دهند. نگرش کارآفرینانه، آمادگی فرد برای پاسخگویی به خصوصیات متعلق به کارآفرین است. نگرش کارآفرینانه دانش آموزان می تواند تحت تاثیر آموزش معلمان به ویژه در خصوص کارآفرینی باشد. اگر آموزش و پرورش قادر شود دانش آموزان را تشویق کند که کارآفرین باشند و توانایی های کارآفرینی را در آنها بوجود آورد، در آن صورت نگرش کارآفرینانه در دانش آموزان تقویت شده و آن هم بر روی ذهنیت و رفتار آنان تأثیر می گذارد تا بتواند انگیزه کارآفرینی خود را نشان دهند. آموزش کارآفرینی منجر به ارتقاء موفقیت، کنترل شخصی و اعتماد به نفس دانش آموزان شده است (باساردین و همکاران، ۲۰۱۶).<sup>۱</sup> نتایج تحقیقات دیگر نشان می دهد آموزش کارآفرینی کارآمد منجر به بهبود مهارتهای کارآفرینی دانش آموزان شده و تأثیر

مثبتی بر انگیزه کارآفرینی دانش آموزان دارد (خلیلی و همکاران<sup>۲</sup> ۲۰۱۴؛ فرهنگ مهر و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶؛ جکوبیاک و باچتا<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶). ازسوی دیگر براساس نظریه شناختی، کارآفرینان دارای یک ساختار دانش هستند که برای ارزیابی، قضاوت یا تصمیم گیری استفاده می شود و آن شامل ارزیابی فرصت ها، ایجاد کسب و کار و رشد آنها است (سانچز<sup>۵</sup>، ۲۰۱۱).

در مورد نگرش کارآفرینانه، پژوهش رابینسون و همکاران (نقل قول از جعفری مقدم، فخارزاده، ۱۳۹۰) یکی از جامع ترین تحقیقاتی است که به نگرش به عنوان معیاری برای پیش بینی فعالیت کارآفرینانه پرداخته است. لذا تصمیم گرفته شد مؤلفه های نگرش کارآفرینانه رابینسون به عنوان مبنای چارچوب مفهومی پژوهش در نظر گرفته شود که این مؤلفه ها عبارتند از: تشخیص و بهره برداری از فرصت، میل به موفقیت، کنترل شخصی ادراک شده، عزت نفس و خلاقیت و نوآوری. به عقیده سمونز<sup>۶</sup> (۱۹۹۹) نگرش ها بهترین وسیله برای اقدام به کارآفرینی می باشند. همچنین رابینسون و همکاران (۱۹۹۱) نگرش ها را بهترین پیش بینی کنندگان برای تمایلات کارآفرینانه می دانند که این نگرش ها که بر اساس آموزش های خانوادگی و محیط اجتماعی ایجاد شده اند، می توان باز هم با آموزش و یادگیری در آنها تغییراتی ایجاد کرد. لذا از طریق آموزش های کارآفرینانه می توان بر نگرش کارآفرینانه

<sup>2</sup> -Khalili et a

<sup>3</sup> - Farhangmehr et al

<sup>4</sup> - Jakubiak & Buchta

<sup>5</sup> - Sánchez

<sup>6</sup> . Simmones

بررسی نقش آموزش های کاردانش در ایجاد نگرش کارآفرینانه در هنرجویان

-جعفری مقدم، سعید؛ فخارزاده، آرزو سادات (۱۳۹۰). توسعه نگرش کارآفرینانه در کتاب های درسی (مطالعه موردی: کتاب های فارسی دوره دبستان)، توسعه کارآفرینی، ۱۵، ۴۷-۶۶

-حمزه لوئی کهریزی، احمد (۱۳۷۵). ارزشیابی شاخه کاردانش در نظام جدید آموزش متوسطه از دید مشاوران، مدیران، مربیان پرورشی، اولیا و دانش آموزان سراسر کشور، سال تحصیلی ۷۵-۱۳۷۴، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم تهران

-خدمتی توسل، صادق (۱۳۷۹). بررسی زمینه های بروز پرورش کارآفرینی در دبیرستانهای پسرانه دولتی کار و دانش شهرستان کرج از نظر مدیران، دبیران، و دانش آموزان، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی.

-خسروی پور، بهمن؛ ایروانی، هوشنگ؛ حسینی، سیدمحمود؛ موحد محمدی، حمید (۱۳۸۶). شناسایی و تحلیل مؤلفه های مؤثر بر توانمندی کارآفرینانه دانشجویان مراکز آموزش عالی علمی کاربردی. مجله علوم کشاورزی ایران، ۲(۳۸)، ۲۰۷-

۲۱۷

-ذبیحی، محمدرضا؛ مقدسی، علیرضا (۱۳۸۵). کارآفرینی از تئوری تا عمل. مشهد: نشر جهان فردا

-ریبعی، مهدی؛ پیرمردیان، علی (۱۳۹۱). بررسی میزان تحقق اهداف شاخه کاردانش از دیدگاه هنرآموزان شاغل در هنرستانهای کاردانش پسرانه شهر اصفهان، رشد آموزش فنی

و حرفه ای، ۸(۲)، ۴-۹

۱۱۷

افراد تاثیر گذاشت. شاخه کاردانش که با هدف تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بخش های صنعت، خدمات و کشاورزی، در سطح کارگر نیمه ماهر، ماهر، سرپرست کارگاه و استادکار است، در پی تحولات گسترده در نظام آموزشی متوسطه به عنوان الگویی جدید از ارتباط میان نظام آموزش فنی حرفه ای و نیازهای بازار کار به اجرا درآمد. از آنجائیکه دوره ابتدائی و متوسطه تعیین کننده ترین سطح آموزش رسمی در ایجاد و توسعه رفتارها و نگرش ها در دانش آموزان می باشند، لذا به جاست که با آموزش های کاردانش بتوانیم نگرش کارآفرینانه را در هنرجویان رشته های کاردانش تقویت کنیم. بی شک تلاش در جهت تغییر نگرش کارآفرینانه هنر جویان باعث خواهد شد که آنها نگرش مثبتی به راه اندازی کسب و کار های خلاقانه پیدا کرده و اقدام به راه اندازی فعالیت های کارآفرینانه فردی و گروهی نمایند.

#### منابع

-احمد پور داریانی، محمود؛ عزیزی، محمد (۱۳۸۳). کارآفرینی. تهران: محراب قلم.

-برومند نسب، مسعود (۱۳۸۱). بررسی رابطه ساده و چندگانه وضعیت اجتماعی-اقتصادی، انگیزه پیشرفت، مخاطره پذیری، جایگاه مهارت، خلاقیت و عزت نفس با کارآفرینی در دانشجویان شهید چمران اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز

-سرخیز، ابراهیم (۱۳۹۲). مجموعه طرح های کارآفرینی اولین همایش ملی ((نقش آموزش و پرورش در توسعه کارآفرینی از منظر سند تحول بنیادین)). معاونت آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش. نشر عابد. چاپ اول.

-صالحی، کیوان؛ زین آبادی، حسن رضا؛ کیامنش، علیرضا (۱۳۸۵). نگاهی تحلیلی بر عملکرد هنرستانهای کار دانش، موردی از ارزشیابی کیفیت بروندهای هنرستانهای کار دانش منطقه ۲ شهر تهران، فصلنامه نوآوری های آموزشی، (۱۶)، ۱۶۳-۱۱۹

-عزیزی، محمد (۱۳۸۲). بررسی و مقایسه زمینه های بروز و پرورش کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.

-عسگری پور، حسین؛ بخشنده، قاسم؛ شهرکی، طاهره (۱۳۹۲). بررسی تأثیر نگرش به کسب و کار بر مهارت های کارآفرینانه دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاههای غیرپزشکی شهرستان چابهار). دومین کنفرانس بین المللی مدیریت، کارآفرینی و توسعه اقتصادی. قم: دانشگاه پیام نور

-مرادی، یزدان (۱۳۸۶). بررسی موانع نگرش های کارآفرینانه دانشجویان رشته کامپیوتر دانشگاه جامع علمی- کاربردی شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران (پرديس قم).

-ناندان، اچ (۱۳۸۶). مبانی کارآفرینی، (ترجمه اعظم شجاع صفت و عاطفه واثقی). مشهد: نشر جهان فردا

-نوه ابراهیم، عبدالرحیم؛ تندسته، اشکان؛ سلیمانی، نادر (۱۳۸۷). مطالعه شاخص های کار آفرینی در بین دانش

آموزان سال آخر سه شاخه نظری، فنی حرفه ای و کار دانش (مدارس متوسطه شهرستان گرمسار)، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، (۲)، ۱۴۶-۱۳۳

-Anselm, M. (2002). *Entrepreneurship education in the community college*, Proceeding 38<sup>th</sup> International Council for Small Business (ICSB), Las Vegas, NV. pp.177-192.

-Basardien, F., Friedrich, C., & Twum-Darko, M. (2016). Evidence-Based Practices of Promoting Entrepreneurship Education in Higher Education Institutions in Africa. *Journal of Economics and Behavioral Studies*, 8(5), pp. 68-81.

-Bosma, N. S., Jones, K., Autio, E., Levie, J., (2008). *Global Entrepreneurship Monitor 2007 Executive Report*, London, U.K.: London Business School and Babson Park, MA: Babson College

-Burger, L., O'Neill, C., Mahadea, D., (2005). The impact of previous knowledge and experience on the entrepreneurial attitudes of Grade 12 learners. *South African Journal of Education*, 25, pp. 89-94.

-Carayannis, E.G., Evans, D., & Hanson, M., A (2003). *cross-cultural learning strategy for entrepreneurship education: outline of key concepts and lessons learned from a comparative.*

-Colmant, M., Matina, E., (2008). *Exploring entrepreneurial attitudes towards change throughout the development of the start-up project*. Unpublished master's thesis, Umea School of Business, Sweden, p.7.

-Emerson, B., Stuart, B. (1992). Psychological Traits of Rural Entrepreneurs. *The Journal of Socio-Economics*, 21, pp. 353-362.

-Farhangmehr, M., Goncalves, P., & Sarmiento, M. (2016). Predicting Entrepreneurial Motivation among

- University Students. *Education + Training*, 58(7/8), 861-881. <https://doi.org/10.1108/ET-01-2016-0019>
- Fayolle, A., Gaily, B., (2008). From Croft to Science: Teaching Model and Learning Processes in Entrepreneurship Education. *Journal of European Industrial Training*, 32(7), pp. 569-593.
- Fuchs, K., Werner, A., Wallau, F. (2008), Entrepreneurship education in Germany and Sweden: what role do different school systems play? *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 15(2), pp. 365-381.
- GEM (The Global Entrepreneurship Monitor). *Executive Report*, (1999)
- Harris, M. L., Gibson, S. G., (2008). Examining the entrepreneurial attitudes of US business students. *Education + Training*, 50(7), PP. 568-581.
- Hisham H.j., Osman.B., (1995).*Formal and non-formal education and their contributions on entrepreneurial performance*, Unpublished master's thesis, Keebangaan University: <http://www.usasbe.org/knowledge>,
- Hisrich, R. D., Peters, M. P., (2002). *entrepreneurship*, Tuat Mc Graw- Hill publishing company, fifth edition.
- Howard, S., (2004). "*Developing Entrepreneurial Potential in youth, The Effects of Entrepreneurial Education and Venture creation*", University of south florida.
- Hurley, A., (1998). Incorporating Feminist Theories in to Sociological Theories of Entrepreneurship, *Woman in Management Review*, 14, (2),pp. 54-62
- Jakubiak, M., & Buchta, K. (2016). Determinants of Entrepreneurial Attitudes in Relation to Students of Economics and Non -Economics. *Studia i Materialy*, 2(1), 17-30. <http://doi.org/10.7172/1733-9758.2016.21.2>
- Kirzner, I. M., (1973).*Competition and entrepreneurship*. Chicago:University of Chicago Press.
- Khalili, B., Tojari, F., & Rezaei, M. (2014). The Impact of Entrepreneurship Training Course on the Development of Entrepreneurial Features. *European of Academic Research*, 2(9), 11942-11953.
- Kundu, S. C., & Rani, S., (2007). Personality and attitudes of Indian young female workforce: Entrepreneurial orientation by education and regions. *Managing Global Transitions*, 5(3), pp. 229–252.
- Kundu, S. C., & Rani, S., (2008). Human resources' entrepreneurial attitude orientation by gender and background: a study of Indian Air Force trainees. *International Journal of Management and Enterprise Development*, 5(1), pp. 77-101.
- Lope Pihie, Z.A., Bagheri, A., (2011). Malay students' entrepreneur attitude and entrepreneurial efficacy in Vocational and Technical Secondary School of Malaysia. Universiti Putra Malaysia. *Journal Pertanika Science Social and Humanity*, 19 (2), pp. 433-447.
- Lindsay, W., Lindsay, N., Jordaan, A., (2007) . Investigating the Values- Entrepreneurial Attitude- Opportunity Recognition Relationship in Nascent Entrepreneurs. *Regional Frontiers of Entrepreneurship Research*, pp. 562-568.
- Mitra, J. & Matlay, H., (2004). *Entrepreneurial and vocational education and training: Lessons from eastern and central Europe*. Industry and Higher Education, 18, pp. 53-69.
- Movahed, N., (2003). *Knowledge, skills and attitude towards Business and entrepreneurship among students from secondary schools in the Klang*. Unpublished master's thesis < <http://www.usasbe.org/knowledge>
- Nwaoba NC., (2011). Integration of sexuality education into secondary school curriculum. Curriculum implementation. *CASSON Journal*, a;2,
- Nybakk, E., Hansen, E., (2008). Entrepreneurial attitude, innovation and performance among Norwegian nature-based tourism enterprises. *Forest Policy and Economics*, 10, pp. 473–479.

- Obisanya, J.F., Akinbami, C.A.O., and Fayomi, A.O., (2010). Entrepreneurship Education and Undergraduates ' Attitude to Self-Employment: a Case Study of Nigerian University. *IFE Psychologia*, 18(2), pp. 1-10.
- Oosterbeek, H., Praag, M.Van., & Ijsselstein, A., (2010). The impact of entrepreneurship education on entrepreneurship skills and motivation. *European Economic Review*, 54, pp. 442-454.
- Robinson, P., Stimpson, D., Huefner, Y., & Hunt, K. (1991). An attitude approach to the prediction of entrepreneurship. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 10(1), pp. 106-122.
- Robinson, P., Sexton, E., (1994). The effect of education and experience on selfemployment success. *Journal of Business Venturing*, 9, pp. 141-156.
- Sánchez, J.C. (2011). Entrepreneurship as a legitimate field of Knowledge. *Psicothema*, 23(3), pp. 427-432.
- Schroder, E., Rodermund, E. S., (2006). Crystallizing enterprising interests among adolescents through a career development programme: The role of personality and family background. *Journal of Vocational Behaviour*, 69(3), pp. 494-509.
- Schumpeter, J. A., (1934). *Entrepreneurship as innovation*. In R. Swedberg (Ed.), *Entrepreneurship The social science view*. Oxford: Oxford University Press, pp. 51-75
- Simmones, C.h. (1999). *The entrepreneurial attitude*. Retrieved .from [www.kcentrepreneur .com/ anonymos.html](http://www.kcentrepreneur.com/anonymos.html)
- Shane, S., Venkataraman, S., (2000). The promise of entrepreneurship as a field of research. *Academy of Management Review*, 25, pp. 217-226.
- Shan, S., Locke, E., Collin, C., (2003). *Entrepreneurial motivation, Human Resource Management Review*, 13, pp. 257-279.
- Shariff, M. N. M., Saud, M. B., (2009). An Attitude Approach to the Prediction of Entrepreneurship on Students at Institution of Higher Learning in Malaysia. *International Journal of Business and Management*, 4, pp. 129-135.
- Shanan, Gibson, G., Harris, Michael L., Barber III, Dennis., (2009). Comparing the Entrepreneurial Attitudes of Chinese and Brazilian Students. *Southern Journal of Entrepreneurship*, 28, pp. 56-70.
- Souitaris, V., Zerbini, S., Al-Laham, A., (2006). Do entrepreneurial programmes raise the entrepreneurial intention of science and engineering students? The effects of learning inspiration and resources. *Journal of Business Venturing*, 22(4), pp. 566-591.
- Szerb, H. L., (2007). *Student's entrepreneurial attitudes and entrepreneurship education in 14 countries*. University of Pécs, Faculty of Business and Economics.
- Tam, H. W., (2009). *How and to What Extent Does Entrepreneurship Education Make Students More Entrepreneurial? A California Case of the Technology Management program*. Unpublished doctoral dissertation. University of California, Santa Barbara.
- Thompson, j., Geoff, A. & Lees, A., (2000). Social Entrepreneurship: A New Look at the People and the Potential, *Management Decision*, 38(5), pp.328-338
- Zhao, H., Seibert, S. E. & Hills, G. E., (2005). The mediating role of self efficacy in the development of entrepreneurial intentions. *Journal of Applied Psychology*, 90(6), pp.1265-1272.

